

مبادی و اصول اجتماعی - در وجوب اشتغال به کسب و کار

حضرت بهاء الله



(12) در وجوب اشتغال به کسب و کار

واجب بودن کسب و کار

- قد وجب علی کل واحد منکم الاشتغال بأمر من الأمور من الصنائع والاعتراف وأمثالها

(حضرت بهاء الله، کتاب اقدس، بند 33)

در اینظهور اعظم کلّ بکسب و اعتراف و صنایع متوکلاً علی الله المهیمن القیوم مأمورند و اینحکم در الواح مؤکداً نازل (لوح امین، گنجینه حدود و احکام ص 73)

مشغول شدن به کار بمثل عبادت حق محسوبی شود

- وجعلنا اشتغالکم بها نفس العبادة لله الحق تفکروا یا قوم فی رحمة الله وألطفه ثم اشکروه فی العشی والإشراق (حضرت بهاء الله، کتاب اقدس، بند 33)

- کلّ را بصنعت و اعتراف امر نمودیم او را از عبادت محسوب داشتیم. در اول امر باید ثوب امانت را از ید عطا که مقام قبولست بیوشی چه که اوست اول باب برکت و نعمت

(حضرت بهاء الله، لوح ملا محمد بجزستانی، گنجینه حدود و احکام ص 73)

- هر نفسی بصنعتی و یا بکسبی مشغول شود و عمل نماید آن عمل نفس عبادت عند الله محسوب (حضرت بهاء الله، بشارات، دوازدهم)



TABLET

اوقات و ساعات عمر را مبادید به بیکاری و لبنلی هدر داد

- لا تضيعوا أوقاتكم بالبطالة والكسالة (حضرت بهاء الله، کتاب اقدس، بند 33)
- اجتنبوا التكاهل والتكاسل (حضرت بهاء الله، لوح حکمت)

هر فردی باید به آنچه که اسباب نفع خود و دیگران است مشغول شود

- واشتغلوا بما ينتفع به أنفسكم وأنفس غيركم كذلك قضي الأمر في هذا اللوح الذي لاحت من أفقه شمس الحكمة والتبليان (حضرت بهاء الله، کتاب اقدس، بند 33)
- تمسكوا بما ينتفع به العالم من الصغير والكبير والشيوخ والأراامل (حضرت بهاء الله، لوح حکمت)
- جمعی الآن در این جهانند و بظاهر و باطن سرگشته و پریشان و مهمل و معطل و بار گران بر سایر ناس. بصنعتی مشغول نشوند و بکار و کسبی مألوف نگردند و خود را از آزادگان شمردند.... اینگونه نفوس مهمله البته مقبول نه زیرا هر نفسی باید کار و کسب و صنعتی پیش گیرد تا او بار دیگر ترا حمل نماید نه اینکه خود حمل ثقیل شود و مانند علت کابوس مستولی گردد

(حضرت عبدالبهاء، لوح فارس شیراز، گنجینه حدود و احکام ص 74)

مبغوض ترین افراد کسی است که بیکار نبشید و از مردم مگالبه و گدائی کند

- أبغض الناس عند الله من يقعد ويطلب (حضرت بهاء الله، کتاب اقدس، بند 33)
- همچنین جمیع را امر فرمودیم که بشغلی از اشغال مشغول باشند طوبی از برای نفوسیکه حمل نمود و حمل نشد بکسب و اقتراف توجه نمایند فلسی از آن عند الله احب است از کنزیکه بغیر حق جمع شود و آماده گردد
- (حضرت عبدالبهاء، گنجینه حدود و احکام ص 74)

باید به کاری مشغول گشت که عام المنافع است و در عین حال توکل به خداوند مسبب اسباب نمود

- تمسكوا بجبل الأسباب متوكلين على الله مسبب الأسباب (حضرت بهاء الله، کتاب اقدس، بند 33)
- هو الأبهى ای بنده جمال قدم در جمیع امور متوسل بچی قیوم شو و متوکل بر ربّ و دود. قلب انسان تا اعتماد بر حضرت یزدان ننماید راحت و آسایش نیابد. بی سعی و کوشش جهد و ورزش لازم و واجب و فرض و قصور و فتور مذموم و مقدوح بلکه شب و روز آئی نباید مهمل بود و دقیقه ای نباید از دست داد چون کاینات سایره باید لیلاً و نهاراً در کار مشغول شد و چون شمس و قمر و نجوم و عناصر و اعیان ممکنات در خدمات مداومت کرد. ولی باید اعتماد بر تأییدات نمود و اتکاء و اتکال بر فیوضات کرد زیرا اگر فیض حقیقت نرسد و عون و عنایت شامل

نگردد زحمت ثمر بخشد کوشش فایده ندهد و همچنین تا باسباب تمسک نشود و بوسایل تثبث نگردد ثمری حاصل نشود **أَبِي اللَّهِ** ان یجری الأمور
الآ باسبابها و جعلنا لکشیء سبیا

(حضرت عبدالبهاء، گنجینه حدود و احکام ص 76)

گدائی حرام است به شخص گدائ کل کردن جائز

- لا یجل السّؤال ومن سئل حرّم علیه العطاء (حضرت بهاءالله، کتاب اقدس، بند 147)

هر کسی که قادر به کسب و کاری نباشد - و کلاء بیت العدل و اغنیاء از برای مستمری تعیین کنند

- قد کتب علی الکلّ أن یکسب والذی عجز فلو کلاء والأغنیاء أن یعینوا له ما یکفیه اعملوا حدود الله وسننه ثمّ احفظوها کما تحفظون أعینکم (حضرت بهاءالله، کتاب اقدس، بند 147)

- اما آیه مبارکه حرّم علیکم السّؤال و من سئل حرّم علیه العطاء مقصود این است که تکدی حرام است و بر گدایان که تکدی را صفت خویش نموده اند انفاق نیز حرام است. مقصود این است که ریشه گدائی کنده شود. و اما اگر نفسی عاجز باشد یا بفقر شدید افتد و چاره نتواند اغنیاء یا و کلاء باید چیزی مبلغی در هر ماهی از برای او معین کنند تا با او گذران کنند. چون بیت عدل تشکیل شود دارِ عجزه تأسیس گردد لهذا کسی محتاج بسؤال نماند

(حضرت عبدالبهاء، گنجینه حدود و احکام ص 351)

- مقصود از و کلاء و کلاء بیت است که اعضای بیت عدل باشد

(حضرت عبدالبهاء، گنجینه حدود و احکام ص 352)

- ﴿ای پسران تراب﴾ اغنیاء را از ناله سحرگامی فقرا اخبار کنید که مبادا از غفلت بهلاکت افتند و از سدره دولت بی نصیب مانند *الکرم و الجود من خصالی فهیثا لمن تزیّن بخصالی*

(حضرت بهاءالله، کلمات مکنونه فارسی، 49)

- ﴿ای اغنیای ارض﴾ فقرا امانت منند در میان شما* پس امانت مرا درست حفظ نمائید و براحث نفس خود تمام نپردازید* (حضرت بهاءالله، کلمات مکنونه فارسی، 54)

- باید اولو الغنی بفقرا ناظر باشند چه که شأن صابرن از فقراء عند الله عظیم بوده و عمری لا یُعاده شأنُ الا ما شاء الله طوبی لفقیر صبر و ستر و لغنیّ آنفق و اثر انشاءالله باید فقراء همّت نمایند و بکسب مشغول شوند و این امریست که بر هر نفسی در این ظهور اعظم فرض شده و از اعمال حسنه

عند الله محسوب و هر نفسی عامل شود البتّه اعانت غیبیّه شامل او خواهد شد انه یغنی من یشاء بفضلہ انه علی کلّ شیء قدير (حضرت عبدالبهاء،
گنجینه حدود و احکام ص 353)